

فروپاشی طالبان

جنايات امريكا، تشديد تنش جناح‌هاى امپرياليسم

پس از يك ماه بمباران افغانستان، حكومت طالبان با يورش دسته‌هاى مسلح «ائتلاف شمال» سقوط كرد. آنهائى كه طالبان را بر جان مردم انداخته بودند، آنرا از قدرت بزرگ كشيده‌اند. حكومت طالبان با كشتار و قتل عام مردم بر مسند قدرت نشست و با كشتار و قتل عامى ديگر كنار رفت.

اجلاس بن و حكومت جديد

مذاكره گروه‌هاى افغانى شركت كنده در اجلاس بن كه از اويل ماه جارى آغاز شده بود، سر انجام پس از ۹ روز، حول طرح معينى به نتيجه رسيد. بر اساس اين طرح، ابتدا يك شوراي حكومتى و سپس يك لويه جرگ (شوراي بزرگان اقوام) تشكيل ميشود كه وظيفه آن انتخاب رئيس حكومت است. گروه‌هاى چهارگانه (جبهه متحد شمال، هواداران ظاهرشاه، گروه پيشاور و گروه قبرس) عقب‌مانده‌ترين و مرتجع‌ترين باندهاى قومى و طايفه‌اى هستند كه قدرتهاى اصلى سرمايه‌دارى جهانى و در پيشاپيش آن امريكا و اروپا بر سر سپردن قدرت به سران اين باندهاى مرتجع و آدم‌كش، به توافق رسيده‌اند. توافقنامه كنفرانس بن با نقش عمده امريكا و سازمان ملل شكل گرفت. سپس با حضور گرهارد شرودر صدراعظم آلمان امضاء گرديد. اكنون نيز مورد حمايت كشورهاي عضو سازمان ملل قرار گرفته است. آينده تاريك و خون‌آلود افغانستان، ارمغان سرمايه‌دارى عصر رايانه است.

اجلاس بن، بار ديگر سرورى و سركردى امريكا را بعنوان كشورى كه كماكن توانايى بسيج كردن دول جهانى را دارد، بنمايش گذاشت. حكومت برخاسته از اين ارتجاع سياه كه در كشتارهاي تاكنونى باندهاى داخلى افغانستان سهيم بوده‌اند، تفاوتى با حاكميت طالبان كه بوسيله پاكستان و عربستان و با مديريت سازمان سيا بر مسند قدرت نشست نخواهد داشت.

چگونه افغانستان طالبانيزه شد

حذف طالبان از صحنه قدرت، همانند عروج آن، با تمايل و نقشه‌هاى از پيش تعيين شده در غرب صورت گرفت. در ۱۹۹۴ وزير كشور وقت پاكستان، نصرالله بابر، نزديك به دو هزار طلبه را براى تشكيل گروه‌هاى مسلح جهت حفاظت از كاروان بازرگانى استخدام كرد. اين مزدوران سپس از طريق دستگاه امنيتى پاكستان و عربستان و تحت نظارت و برنامه‌ريزى سازمان سيا تجهيز شده و به همراه

نزدیک به ۱۵ هزار مزدور مسلح اسامه بن لادن شهرهای افغانستان را به تصرف خود در آوردند. بخش قابل توجهی از این طلبه‌های مسلح در مدارس «جامعه‌الاسلامیه» و «دارالعلوم» درس اسلامی خوانده‌اند. این مدارس در پیشاور بوده و تحت حمایت مالی دولت انگلیس قرار داشتند. هم طالبان و هم گروه‌های مسلح تحت رهبری اسامه بن لادن و حتی دیگر باندهای مسلحی چون دسته حکمتیار بوسیله دول پاکستان و عربستان و با حمایت مالی و نظامی سازمان سیا سازمان داده شدند. هدف اصلی امریکا و یا در اصل، شرکت‌های نفتی آمریکایی از سر کار آوردن این دسته‌های جنایتکار، تامین امنیت برای ایجاد شاه‌لوله نفت از آسیای مرکزی و از طریق افغانستان و پاکستان بود. افزون بر طرح لوله‌کشی گاز، طرح‌های اقتصادی مهم دیگری در پس طالبانیزه کردن افغانستان از طریق غرب وجود داشت. از جمله این طرح‌ها ایجاد خط آهن سراسری برای مرتبط کردن پاکستان به آسیای مرکزی، روسیه و چین بود که پروژه آن تحت نظر شرکت‌های امریکایی، اروپایی و ژاپنی قرار داشت. اما قدرت مهم در پس پروژه اقتصادی مزبور، کنسرسیومی شامل شرکت امریکایی یونیکال و بریتیش پترولیوم انگلیسی بود.

هدف دیگر امریکا از طالبانیزه کردن افغانستان و بدنبال آن کشمیر و چچن تقویت مواضع سیاسی، نظامی امپریالیسم غرب در منطقه بود. پروژه‌ای که سابقه آن به دوران قبل از فروپاشی شوروی و جنگ سرد برمیگردد. در راستای تحقق همین برنامه‌ها، در سال ۱۹۹۸ هیئتی از طرف طالبان عازم واشنگتن شد و با مقامات کاخ سفید به مذاکره نشست. بدین ترتیب هم طالبانیزه شدن افغانستان و هم جنگی که امروزه تحت عنوان مبارزه با تروریسم سازمان یافته جزء معینی از سلسله جنایات امریکا و غرب است که علیه مردم آن منطقه صورت میگیرد.

جنگ ادامه خواهد داشت

اگر سر کار آوردن دارودسته‌های جنایتکار در افغانستان جزئی از پروژه‌های کارتل‌های نفتی بود، جنگی که امروز بپا شده محدود به پروژه نفتی سابق نخواهد ماند. امریکا در نظر دارد تا درمقابل پیشروی اتحادیه اروپا و آلمان در اروپای شرقی و آسیا، هژمونی سیاسی و بازارهای اقتصادی خود را تضمین کند. از همین رو نیز جنگ و کشتار ادامه خواهد داشت. ادامه خواهد داشت، چرا که گروه‌های قومی فعلی در دل یک جنگ داخلی و با حمایت دول غرب و یا منطقه شکل گرفته و هر یک مدافع جناح یا دولت معینی هستند. ادامه خواهد داشت، چرا که با تنش میان دول و قدرتهای دیگر، جنگ قومی دیگری بپا خواهد شد. ادامه خواهد داشت، چرا که حکومت آتی افغانستان شاخه‌های قومی بشدت مرتجع و واپس‌گرای افغانستان هستند. ادامه خواهد داشت، چرا که بر بستر جامعه‌ای که شیرازه آن از هم گسسته، مردم و اقشار زحمتکش حضوری، از طریق احزاب مترقی و مردمی، در این مضحکه دمکراتیک غرب ندارند. جنگ نه فقط در افغانستان ادامه خواهد داشت، بلکه گسترش خواهد یافت. گسترش خواهد یافت چرا که سلاح‌های جدید بکار گرفته شده در افغانستان و رقابتی که ناشی از موج میلیتاریسم در

منطقه شکل گرفته، بازار تسلیحاتی هنگفتی را نصیب امریکا خواهد کرد. بعلاوه امریکا و متحدین آن خواستار تحولاتی در ساختار حکومت‌های خاورمیانه و تثبیت موقعیت خود در آسیای مرکزی هستند. این هدف در جایی که روش دمکراتیک امپریالیستی کارگر نباشد از طریق جنگ پیش خواهد رفت. در پس پروژه جنگ تمدنها و موج سازمانیافته نژادپرستی، در پس این جنایات هولناک، تشدید تنش‌های درونی جناح‌های امپریالیسم و بحران شکننده ساختار سیاسی نظم جهانی قرار دارد.